



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927
 P-ISSN: 2706-8919
www.allstudyjournal.com
 IJAAS 2024; 6(1): 01-07
 Received: 02-11-2023
 Accepted: 03-12-2023

سلمان فارسی
 محصل مرحله دکتورا
 پوهنتون اسلامی بین المللی
 افغان و عضو کادر علمی
 دبیرارتمنت ثقافت اسلامی
 پوهنتون پولی تخنیک کابل
 ناتسن اغفا

بررسی طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز از منظر قرآن کریم

سلمان فارسی

DOI: <https://doi.org/10.33545/27068919.2024.v6.i1a.1094>

چکیده

انسان مخلوق اجتماعی است؛ که طبیعتاً با تشکیل جوامع خورد و بزرگ در کره زمین بخاطر بدست آوردن آمال و آرزوهای مادی و معنوی خود می‌پردازد. در عصر حاضر با در نظر داشت افزایش نفوس در جوامع بشری و افزایش احتیاجات و نیازهای بشر، بیشتر از گذشته زمینه‌ی اختلاف‌های فکری، نژادی و امثالهم به سبب عدم رعایت گفت‌وگوهای مسالمت آمیز، عدم استقبال از پیشنهاد صلح، عدم پذیرش حقوق اقلیت‌ها، عدم توجه به اصول مشترک ادیان الهی و ده‌ها علل دیگری که منتج به پیدایش و افزایش تضاد بوده و عملاً مشاهده می‌شود؛ که تاریخ معاصر گواهان است. بنابراین تجربه‌ی چندین قرن تعارض و جنگ به خوبی به انسان‌ها می‌فهماند که در محور قرآن با رعایت طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز و در فضایی پذیرش این اصل قرآنی، دور از اختلاف و اختناق در کنار یکدیگر زندگی نکنند. نمی‌توانند آن‌چنان‌که شایسته‌ی انسان متمدن در جهان امروز است نیازهای مادی و معنوی خود را بر آورده سازند. برای تحقق بخشیدن همزیستی مسالمت آمیز می‌توان گفت؛ تلاش‌های جدی انسان‌ها پس از آغاز قرن بیستم و بخصوص با پشت سر گذراندن دو جنگ خانمانسوز جهانی در جهت کاهش روابط خصمانه، بهبود و ارتقاء روابط دوستانه آغاز شد. در حالیکه طرق تأمین این آرمان بشر، در آیات متعدد قرآن کریم به وضوح انعکاس یافته است. که دین مقدس اسلام قریب به چهارده و نیم قرن قبل، طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز را به بشریت عرضه نموده است. روی هم رفته در این تحقیق در پی آن هستیم تا به طور مختصر به بررسی این اصل در آیات قرآن کریم بپردازیم، البته باتوجه به محدودیت‌های موجود و جلوگیری از اطاله کلام ناگزیریم که به‌طور اختصار به تبیین و توضیح چند آیات از قرآن کریم که بیانگر طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز است بپردازیم.

کلید واژه‌ها: قرآن، انسان، همزیستی مسالمت آمیز، صلح، عدم اخت

مقدمه

همزیستی مسالمت آمیز یک فکر اصیل اسلامی است. آیات متعددی از قرآن کریم، به صورت‌های گوناگون، با صراحت کامل، بدان سفارش نموده اند. در حالی که در چهارده قرن قبل، مفهوم همزیستی برای بشر کاملاً شناخته شده نبود. از نظر قرآن کریم، جنگ و ستیز به خاطر اختلافات عقیده به صورتی که در برخی از مذاهب دیگر دیده می‌شود؛ مانند: جنگ‌های صلیبی معنا ندارد؛ کینه توزی و دشمنی نسبت به پیروان ادیان ممنوع، در پیش گرفتن روش‌های اهانت آمیز نسبت به دیگران، یک روش غیر دینی است.

قرآن کریم گروهی از مسیحیان و یهودیان را یاد می‌کند که راه تمسخر و تکفیر را نسبت به هم‌دیگر در پیش گرفته با تحقیر، اهانت و پای مال نمودن حقوق انسانی یکدیگر، همواره آتش جنگ و اختلاف را شعلهور می‌سازند. چنانچه الله متعال فرموده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (بقره: آیت، 113).

یهود گفتند: نصرانی‌ها بر حق نیستند. و نصرانی‌ها گفتند: یهود بر حق نیستند؛ حال آن که اینان کتاب را تلاوت می‌کردند، کسانی هم که از حق چیزی نمی‌دانند، سخنی همانند سخن ایشان گفتند. سرانجام خداوند جل جلاله در روز قیامت در آن‌چه اختلاف داشتند بین آن‌ها داوری خواهد کرد.

Corresponding Author:
 سلمان فارسی

محصل مرحله دکتورا
 پوهنتون اسلامی بین المللی
 افغان و عضو کادر علمی
 دبیرارتمنت ثقافت اسلامی
 پوهنتون پولی تخنیک کابل
 ناتسن اغفا

بیان موضوع تحقیق؛ انسان‌ها از عنفوان پیدایش تاکنون تلاش می‌نمایند، تا در جوامع بشری اعم از جوامع دینی و غیر دینی، همزیستی مسالمت آمیز را ایجاد و استوار نگه‌دارند، و در عین زمان، الله متعال انبیاء کرام علیهم السلام را با هدایات و پیام‌های واضح برای تحقق این اصل در محور عقیده توحید فرستاد. و هر یکی، پیام الهی را به انسان‌های معاصر خود بدون کمی و کاستی ابلاغ نمودند. که در سلسله بعثت انبیاء علیهم السلام، الله متعال، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را بحیث خاتم الانبیاء، آخرین پیامبر و مکمل تعمیر نبوت، با پیام جامع و فراگیر که دربرگیرنده تمام ابعاد زندگی انسان‌ها می‌باشد، برای تمام بشریت مبعوث نمود. همچنان آخرین کتاب خود را که قرآن کریم است به آخرین پیامبر خود نازل فرمود. این کتاب مشتمل بر قوانین زندگی انسان‌ها در عرصه‌های گوناگون (فردی و اجتماعی) می‌باشد. در آیات متعدد قرآن کریم طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز عباراتاً و اشارتاً تبیین و توضیح گردیده است؛ این تحقیق در پی همین اصل قرآنی است که در لابلای آیات قرآن کریم به توفیق الله متعال در دو مبحث به بررسی و تبیین آن پرداخته می‌شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق؛ می‌توان گفت ما به عنوان یک مسلمان وظیفه داریم تا ضمن اینکه خود، تعلیمات قرآن را به خوبی شناخته و آنرا در زندگی یومیه خویش اجرا کنیم، باید بتوانیم بخصوص در دنیای امروز که تهاجم غیر منصفانه و ناجوانمردانه‌ی چه از روی چهل و چه از روی غرض؛ علیه قرآن و دین اسلام وجود دارد، از حریم آن‌ها دفاع کنیم و به دیگران بفهمانیم که اسلام دینی است که در قرآن کریم همواره بیانگر و مدافع صلح، همزیستی مسالمت آمیز، تعاون و همکاری و برابری و برادری انسان‌ها و جوامع با یکدیگر بوده است. سوال اصلی تحقیق را می‌توان اینطور طرح نمود: قرآن کریم در خصوص طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز در جامعه چه دیدگاه و موضعی دارد؟ و سوال‌های فرعی را همچنان؛ مفهوم همزیستی مسالمت آمیز چیست؟ چند نوع راه ورش همزیستی مسالمت آمیز در قرآن بیان گردیده است؟ فرضیه تحقیق؛ به نظر می‌رسد طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز در قرآن به طور واضح انعکاس یافته است. در زمینه پیشینه تحقیق می‌توان گفت در بعضی از کتاب‌ها و مقالات به بحث و بررسی در خصوص همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام پرداخته شده اما در خصوص طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه قرآن کریم کدام نوشته‌ی را در افغانستان نیافتیم تا این موضوع به صورت مختصر یا مفصل تحقیق و بحث شده باشد. در مورد روش تحقیق؛ می‌توان گفت روش ما، در این تحقیق تحلیلی، توصیفی بوده و طبعاً در گردآوری اطلاعات روش ما کتابخانه‌ی می‌باشد. سازماندهی تحقیق؛ این تحقیق دارای مقدمه، دو مبحث و هر مبحث دارای گفتارهای متعدد می‌باشد.

مبحث اول: مفاهیم و تاریخچه

گفتار اول: معنی و مفهوم همزیستی مسالمت آمیز: همزیستی مسالمت آمیز از لحاظ واژه شناسی در زبان فارسی بمعنی؛ با

هم زیستن و زندگی دو تن یا دو گروه بایکدیگر (1) در زبان عربی «التعايش السلمی» آمده است. (2) از لحاظ مفهومی می‌توان گفت: همزیستی مسالمت آمیز عبارت است از پرهیز نمودن از خشونت و جنگ و استقرار صلح در جامعه و زندگی باهمی. (3)

گفتار دوم: تاریخچه فکر همزیستی مسالمت آمیز

از نظر دانشمندان اسلامی فکر همزیستی مسالمت آمیز از زمان اولین انسان و نخستین پیامبر الله متعال، در زمین که حضرت آدم علیه‌السلام است وجود داشته به این دلیل؛ زمانی حضرت آدم علیه‌السلام به زمین هیبوط کرد، منازعات و جنگ‌ها وجود داشته است حضرت آدم علیه‌السلام اولین پیامبری است که انسان‌های اولیه را به همزیستی مسالمت آمیز دعوت نموده و به تعقیب آن، الله متعال، با ارسال انبیاء علیهم السلام پیام همزیستی مسالمت آمیز را به بشریت الی ختم سلسله نبوت انبیاء علیهم‌السلام ادامه داشته و بعد از آخرین پیامبر، الی یوم القیامة ابلاغ این پیام آسمانی وظیفه داعیان و مصلحان امت می‌باشد.

دانشمندان غیر اسلامی فکر همزیستی مسالمت آمیز را در سال‌های نزدیک به قبل از میلاد می‌دانند همچنان به دلیل خونریزی‌ها، غارت‌ها و عدم وجود همزیستی مسالمت آمیز و خرابی‌های ناشی از جنگ‌ها، همواره پدیده جنگ مورد نفرت انسان‌ها بوده است و آنرا آفت بزرگی برای رشد جوامع و همزیستی مسالمت آمیز خود می‌دانستند. (4)

در عهد قدیم ملل در حال انزوا می‌زیستند و بانظر خصومت به یکدیگر می‌نگریستند و هیچ‌نوع زندگی باهمی مسالمت آمیز نداشته اند. هر ملتی در نظر داشت ملت دیگر را مغلوب و نابود کند و جنگ یگانه وسیله و فرصت تلاقی ملتی با ملت دیگر بود. (5)

دوران باستان دوران جنگ‌های وحشیانه، کشتار افراد غیر نظامی و اسیران جنگی و وارد آوردن صدمات بدنی به فرماندهان شکست خورده در جنگ از سوی دشمن است، و تا قرن چهارم پیش از میلاد، معاهده‌های صلح به طور معمول برای مدت معین منعقد می‌شد و از این امر چنین بر می‌آید که در ادوار باستانی «حالت جنگ» حالت عمومی بین ملت‌ها بوده است تا اواخر جنگ‌های جهانی اول و دوم به همین منوال زندگی بشر به صدها مشکل مواجه بود بعد از جنگ‌های خانمان سوز جهانی اول و دوم فکر همزیستی مسالمت آمیز در جوامع غیر اسلامی به وجود آمد که قبل از آن وجود نداشته است زیرا این همه جنگ‌ها و نابسامانی ناشی از عدم وجود همزیستی مسالمت آمیز و عدم رعایت اصول و طرق تأمین آن بوده است زیرا اگر ملت‌های دنیا در محور ادیان حقه الهی که توسط انبیاء علیهم‌السلام از زمان آدم الی خاتم علیهم‌السلام جمع می‌شدند و طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز را مطابق به هدایات و دستورات قرآن کریم بعد از نزول آن رعایت و دستور العمل خویش قرار می‌دادند قطعاً از نعمت همزیستی مسالمت آمیز مستفید می‌شدند و همچنان اگر انسان‌های معاصر زندگی خویش را طبق هدایات قرآنی عیار سازند در این

و در زمین، نشانه هایی برای اهل یقین و نیز در وجود شما است؛ آیا به چشم بصیرت نمی نگرید؟

گفتار دوم: توجه به اصول مشترک

اسلام آیینی است که از زمان پیدایش و نزول قرآن کریم با شعار همزیستی مسالمت آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه نموده است و با این آیین خطاب به «اهل کتاب» چنین می گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (ال عمران: آیت، 64)

بگو ای اهل کتاب بیاید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند به خدایی برنگیرد؛ و اگر رویگردان شدند، بگویید: شاهد باشید که ما فرمانبرداریم.

در این آیت اللہ متعال به پیامبر صل الله علیه وسلم دستور میدهد که به اهل کتاب اعم از یهود و نصاری بگو! بیاید! در محور اصول مشترک که تمام انبیاء علیهم السلام به آن اتفاق دارند جمع شویم و آن عبارت است از عبادت اللہ متعال و شریک نیوردن به او. (8)

این آیه از آیات مهمی است که اهل کتاب را به سوی وحدت و همزیستی مسالمت آمیز دعوت می نماید. استدلال این آیه شریفه با استدلال در آیات سابق تفاوت دارد. آیات سابق نسبت بر این آیه، به طور مستقیم به سوی اسلام دعوت کرده اند، ولی در این آیه به نقطه های مشترک بین «اسلام» و «اهل کتاب» توجه شده است. قرآن به مسلمانان می آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدسات با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و بکوشید حداقل در قسمتی که با شما اهداف مشترک دارند همکاری آن ها را جلب کنید و آن را پایه پیشبرد اهداف مقدسات قرار دهید. (9)

گفتار سوم: نفی نژاد پرستی

قرآن کریم، هرگونه تفکر نژادپرستانه را که مانع تحقق همزیستی مسالمت آمیز در جامعه شود محکوم نموده است و همه انسان ها را فرزند یک پدر و مادر و قهراً فاقد برتری نژادی، قومی و مذهبی می داند چنانچه فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: آیت، 13)

ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به هیات اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید؛ بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ خداوند دانای آگاه است.

یکی از اصول مهم هم زیستی مسالمت آمیز، تساوی و برابری انسان ها است؛ زیرا نژادپرستی، خود برتری بینی و تحقیر ملت ها و مذاهب دیگر، موجب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است. جنگ جهانی اول و دوم نمونه بارز این مشکلات

صورت به هیچ نوع نزاع وجدل های که در تاریخ وجود داشته درگیر نخواهند شد. (6)

مبحث دوم: بررسی طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز از منظر قرآن

قرآن کریم برای تأمین هم زیستی مسالمت آمیز راه ها و طرق گوناگونی را سفارش نموده است که مهم ترین آن ها را تحت نه گفتار به شرح ذیل به بررسی می گیریم:

گفتار اول: آزادی عقیده و فکر

یکی از طرق و راه های تأمین همزیستی مسالمت آمیز در قرآن آزادی عقیده و فکر است در بعضی از آیات قرآن کریم، بر اصل «آزادی عقیده» تاکید شده است؛ یعنی اساساً طبیعت اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی به گونه ای است که در آن ها اکراه و اجبار جایی ندارد. باید به رضایت مقرر باشد زیرا ایمان و عقیده تحت اکراه و اجبار فاقد ارزش می باشد چنانچه الله متعال فرموده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: آیت، 256). در کار دین اکراه روا نیست، چرا که راه از بی راهه به روشنی آشکار شده است.

در آیت شریفه دین بمعنی عقیده و اندیشه است. (7)

همچنان فرموده است: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: آیت، 99).

اگرچه پروردگارت می خواست، تمامی اهل زمین (بدون این که اختیاری داشته باشند) ایمان می آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و می داری که مؤمن شوند؟

پیامبر مامور به ابلاغ دستورهای الهی است، خواه مخالفان ایمان بیآورند یا نه چنانچه الله متعال فرموده است: «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: آیت، 29) و بگو: این حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس می خواهد ایمان بیآورد و هر کس می خواهد کفر ورزد.

ایمان به خدا و مبانی اسلام هیچ گاه نمی تواند تحمیلی باشد، بلکه تنها راه نفوذ آن در فکر و روح، منطق و استدلال است. مهم این است که حقایق و دستورهای الهی بیان شود تا مردم آن را درک کنند و با اراده و اختیار خویش آن را بپذیرند.

بعد دیگر آزادی، «آزادی فکر و اندیشه» است. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تعقل و تدبیر و اندیشه در جهان هستی فرا می خواند و از او می خواهد که با نیروی عقل، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت، پلیدی و گمراهی قدم بردارد. چنانچه الله متعال فرموده است: «سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: آیت، 53).

زود است که ما آیات خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان هویدا گردانیم، تا آشکار شود که آن حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟

و نیز فرموده است: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ . وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: آیت، 20-21)

است. تفاوت در رنگ، نژاد و ملیت، مایه فضیلت کسی بر دیگری نیست. از نظر قرآن، اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها از آیات و نشانه‌های الهی و وسیله‌ی برای شناخت افراد و اشخاص از یکدیگر است؛ اگر همه‌ی انسان‌ها یک شکل، یک رنگ و دارای قد و قواره یکسان باشند، زندگی دچار مشکل و هرج و مرج می‌گردد.

از نظر قرآن کریم، انسان‌ها نسبت به یکدیگر فضیلتی جز به تقوا و پرهیزگاری ندارند و مجموعه انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحد» را تشکیل می‌دهند چنانچه الله متعال فرموده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: آیت، 213)

در آغاز مردم امت یگانه‌ی بودند، آن‌گاه خداوند پیامبران را مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت، و با آنان، به حق، کتاب آسمانی فرستاد، تا در میان مردم در آنچه اختلاف می‌ورزند داوری کند.

بسیاری از آیات قرآن کریم خطاب به جمیع بشر است؛ مانند «یا بنی آدم» و «یا ایها الانسان» این خطاب‌ها و تعبیرها به این اشاره دارد که انسانیت یک معنای مشترک بین تمام ساکنین زمین است. افراد مناطق مختلف از حیث انسانیت هیچ فرقی با یکدیگر ندارند. بشر در طول تاریخ از حیث زبان، رنگ، نژاد و ... مختلف بوده است، ولی از نظر اسلام، همه فرزندان یک پدر و مادر (آدم و حوا) هستند و این تفاوت‌ها در انسانیت انسان خدشه‌ی وارد نمی‌سازد(10).

گفتار چهارم: گفت و گوی مسالمت آمیز

یکی از راه‌های تأمین همزیستی مسالمت آمیز گفت و گوی مسالمت آمیز است زیرا قرآن کریم به مسلمانان دستور اکید می‌دهد که با «جدل احسن» و «گفت و گوی مسالمت آمیز» با اهل کتاب سخن بگویند و روابط خود را بر اساس اصول مشترک و همزیستی مسالمت آمیز تأمین نمایند، چنانچه الله متعال فرموده است: «وَلَا تَجَادَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا وَاللَّهُ وَالْهُنَّا وَوَالَهُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت: آیت، 46)

و با اهل کتاب، جز به شیوه‌ی که نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آن‌ها که مرکب ظلم و ستم شده اند؛ و بگویید به آنچه بر ما و - به آن چه - بر شما نازل شده ایمان آورده ایم و خدای ما و شما یکی است و ما همه فرمان بردار آن هستیم.

در این آیت سخن از مجادله و گفت و گوی ملایم با «اهل کتاب» است؛ زیرا آن‌ها حداقل، بخشی از دستورهای انبیاء علیهم السلام و کتب آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیش‌تری برای شنیدن آیات الهی داشتند.

قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد که از دشنام دادن به کافران و بت پرستان پرهیز نمایند؛ زیرا آن‌ها هم در مقابل، به همین روش متوصل خواهند شد چنانچه الله متعال فرموده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: آیت، 108)

شما مؤمنان، به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، تا مبدا آن‌ها نیز از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، این چنین عمل هر امتی را زینت دادیم، پس بازگشت آن‌ها به سوی پروردگارشان است و آن‌ها را از آن چه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).

از آن جا که بیان دستورات اسلام، همراه با منطق، استدلال و شیوه‌های مسالمت آمیز است، به برخی از مؤمنان که از روی ناراحتی شدید نسبت به «مسئله بت پرستی» به بت‌های مشرکان دشنام می‌دادند، سفارش اکید می‌کند که از ناسزا گفتن پرهیز نمایند؛ اسلام رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان را، حتی در برابر خرافی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شمارد؛ زیرا هر گروه و ملتی، نسبت به عقاید و اعمال خویش تعصب دارد. ناسزا گفتن و برخورد خشن موجب می‌شود که آن‌ها در عقاید خود سخت‌تر شوند.

گفتار پنجم: استقبال از پیش‌نهادهای صلح

یکی از طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز استقبال از پیشنهاد صلح تلقی می‌گردد زیرا زمان که پیشنهاد صلح پذیرفته شود قطعاً زمینه همزیستی مسالمت آمیز مساعد می‌گردد برای پذیرش و استقبال از پیشنهاد صلح برای پیامبر صل‌الله‌علیه‌وسلم هدایات لازم داده شده مثلاً دو قبیله در میان قبایل عرب به نام «بنی ضمیره» و «اشجع» وجود داشت؛ قبیله بنی ضمیره با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع نیز با بنی ضمیره هم پیمان بودند، پس از مدتی مسلمانان با خبر شدند که طایفه اشجع که هفتصد نفر بودند، به سرکردگی مسعود بن رجیله به نزدیکی مدینه آمده اند. پیامبر اکرم صل‌الله‌علیه‌وسلم نمایندگانی نزد آن‌ها فرستاد تا از هدف مسافرت شان مطلع گردد، آن‌ها اظهار داشتند: آمده ایم «قرار داد ترک مخاصمه» با محمد صل‌الله‌علیه‌وسلم ببینیم. پیامبر اکرم صل‌الله‌علیه‌وسلم وقتی چنین دید، دستور داد مقدار زیادی خرما به عنوان هدیه برای آن‌ها ببرند؛ سپس با آن‌ها تماس گرفت و آن‌ها اظهار داشتند که ما نه توانایی مبارزه با دشمنان شما را داریم، چون تعداد ما کم است؛ و نه قدرت و تمایل به مبارزه با شما را داریم، زیرا محل ما به شما نزدیک است؛ لذا آمده ایم با شما «پیمان ترک تعرض» ببینیم. در این هنگام، آیات ذیل نازل شد و دستور لازم در این زمینه را به مسلمانان داد. (11).

چنانچه الله متعال فرموده است: «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَفَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء: آیت، 90)

پس هر گاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند، در این صورت، خداوند راهی برای شما بر علیه آن‌ها نگشوده است.

گفتار ششم: پذیرش حقوق اقلیت‌ها

یکی از راه‌های تأمین همزیستی مسالمت آمیز پذیرش حقوق اقلیت‌ها می‌باشد. به دلیل اینکه هیچ دینی همانند دین اسلام، ضامن آزادی و حافظ شرف و حقوق ملی اقلیت‌ها نیست. اسلام عدالت اجتماعی کامل را در کشورهای اسلامی، نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود - با وجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان و رنگ - تأمین می‌کند و این یکی

البته منظور این نیست که پیامبر صل الله علیه وسلم تمایلات شخصی خود را در انتخاب یکی از این دو راه دخالت دهد، بلکه منظور این است که شرایط و اوضاع را در نظر بگیرد، چنانچه مصلحت بود دخالت و حکم کند و گر نه صرف نظر نماید. در این میان می‌توان یکی از مصالح را رعایت معاملات و روابط اهل کتاب با مسلمانان دانست. از این آیه استفاده می‌شود که هم زیستی مسلمانان با اهل کتاب، تا حدی بود که آنان برای قضاوت نزد پیامبر اسلام صل الله علیه وسلم می‌آمدند. عدالت همیشه و با هر گروه، یک ارزش است. اگر حاکم یا دولت اسلامی برای داوری و میانجی‌گری انتخاب شد، باید عدالت را رعایت کند و نباید مسائل نژادی منطقه‌ای، تعصب‌های گروهی، تمایلات شخصی و تهدیدها در قضاوت‌ها تاثیر بگذارد.(13).

از مزایای بزرگ عالم انسانیت است. که هیچ دین و قانونی، غیر از اسلام نمی‌تواند به این آرمان تحقق بخشد. حتی اقلیت‌های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و اکتساب تابعیت می‌توانند در کشور آزادانه زندگی کنند و همانند مسلمانان از حقوق اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی بهره مند گردند. قرآن کریم با صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه چنین بیان می‌کند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: آیت، 8)

خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده اند، و شما را از خانه و کاشانه تان آواره نکرده اند، از این که در حق‌شان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، نهی نمی‌کند؛ بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد.

پس اسلام اجازه می‌دهد که اقلیت‌های مذهبی و مخالفان اسلام در جامعه اسلامی زندگی کنند و از حقوق انسانی برخوردار گردند؛ مشروط به این که مزاحمتی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشند. و بر ضد آن‌ها کاری صورت ندهند. در آیه دیگر فرموده اند: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: آیت، 9).

خداوند فقط شما را از دوست داشتن کسانی که با شما در کار دین کارزار کرده اند، و از خانه و کاشانه تان آواره کرده اند و برای رانندن تان - با دیگران - هم دستی کرده اند، نهی می‌کند و هر کس دوستشان بدارد از ستمکاران - مشرکان - است.

با توجه به این دو آیه، سیاست کلی اسلام درباره اقلیت مذهبی و مخالفان اسلام چنین است: مادامی که اقلیت‌ها به حقوق مسلمانان تجاوز نکنند و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نمایند، در کشور اسلامی کاملاً آزادند و مسلمانان وظیفه دارند با آن‌ها به عدالت و نیکی رفتار کنند؛ ولی اگر بر ضد اسلام و مسلمانان، با کشورهای دیگر هم کاری داشته باشند، مسلمانان موظف اند مانع فعالیت آن‌ها شوند و هرگز آن‌ها را دوست خود ندانند، در اسلام، آزادی و احترام اقلیت‌های مذهبی به مقداری است که اگر کسی از «اهل ذمه» کاری که در دین آن‌ها جایز است ولی در شرع اسلام حرام است - مانند شراب خواری انجام دهد، کسی متعرض آن‌ها نمی‌شود؛ البته تا زمانی که به آن عمل تظاهر ننماید. اگر به آن عمل تظاهر نماید، به عنوان نقض «قانون تحت الحمایه» مورد بازخواست قرار می‌گیرد و اگر عملی انجام دهد که در دین آنها نیز حرام محسوب می‌شود، مانند: زنا، لواط و ... از نظر حقوق با مسلمانان هیچ تفاوتی ندارد و قاضی حق دارد که «حد» را بر آن‌ها جاری سازد؛ اگر چه می‌تواند آن‌ها را به ملت خود تحویل دهد تا طبق قوانین مذهبی خودشان مجازات شوند.(12)

طبق فقه اسلامی اگر دو نفر از اهل ذمه مرافعه خود را پیش قاضی مسلمانان ببرند، قاضی مخیر است که طبق حکم اسلام قضاوت نماید و یا این که از آن‌ها اعراض نماید. قرآن کریم در این باره فرموده است: «فَإِن جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُم أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ» (مانده: آیت، 42).

اگر از اهل کتاب برای رفع مرافعه به تو مراجعه کنند، پس میان آنان حکم کن، یا از آنان اعراض نما.

گفتار هفتم: به رسمیت شناختن انبیاء علیهم السلام و کتب آسمانی

یکی دیگر از راه‌های تأمین همزیستی مسالمت آمیز پذیرش تمام انبیاء علیهم‌السلام من حیث پیام آوران الله متعال به بنده‌های او تعالی می‌باشد زیرا اساساً تمام کتاب‌های آسمانی در اصول مسائل با یک دیگر هم‌آهنگی دارند و هدف واحدی را (تربیت و تکامل انسان) دنبال می‌کنند؛ اگر چه در مسائلی فرعی، به مقتضای قانون تکامل تدریجی با هم تفاوت‌هایی دارند و هر آیین تازه مرحله بالاتری را می‌پیماید و برنامه جامع‌تری دارد. قرآن کریم ضمن تکریم و احترام به پیامبران و کتب آسمانی سابق، آن‌ها را تصدیق می‌نماید چنانچه فرموده است: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ» (مانده: آیت، 48)

(کتاب آسمانی (قرآن) را به راستی و درستی بر تو نازل کردیم که همخوان (مصدق) با کتاب‌های آسمانی پیشین و حاکم بر آن‌هاست، پس در میان آنان بر وفق آن چه خداوند نازل کرده است، داوری کن ...)

حدود بیست آیه دیگر نیز در تصدیق و تایید تورات و انجیل آمده است. اساساً این سنت الهی است که هر پیامبری، پیامبر پیشین را تایید، و هر کتاب آسمانی‌ی، کتاب آسمانی سابق را تصدیق می‌نماید. خداوند در تایید موسی علیه‌السلام و تورات، به وسیله پیامبر و کتاب آسمانی بعدی، یعنی حضرت عیسی علیه‌السلام و انجیل چنین فرموده است: «وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (مانده: آیت، 46)

و به دنبال ایشان، (تورات و موسی علیه‌السلام) عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی دهنده بر -حقانیت - تورات بوده، که پیشاپیش او بود، و به او انجیل دادیم که در آن نوری هست و همخوان - تصدیق کننده - با تورات است که پیشاپیش آن - نازل شده - و راه نما و پند آموز پارسایان است.

گفتار هشتم: صلح و همزیستی

همچنان یکی از طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز، صلح و حاکمیت آن در جامعه انسانی است زیرا دین مقدس اسلام از اول، اصول صلح را پی ریزی نموده و از این طریق، راه را

گفتارنهم: مبارزه با توهمات برتری جویانه ادیان دیگر

ودر اخیر این که یکی از راه های تأمین همزیستی مسالمت آمیز مبارزه با توهمات برتری جویانه ادیان دیگر است که در این زمینه برخی از آیات قرآن کریم در مورد مبارزه با عقاید تند و تعصب آمیز دیگر ادیان نازل گردیده است. عقاید ناصوبی که منشا بسیاری از کینه ورزی ها و دشمنی ها نسبت به پیروان مذاهب دیگر شده است. کتاب آسمانی ما پس از آن که پیروان خود را به همزیستی مسالمت آمیز و مدارا با پیروان ادیان دیگر دعوت می کند، پایه او هام و افکار غلط ادیان دیگر را نیز در هم می کوید، یهودی ها و مسیحی ها معتقد بودند که آن ها ملت برگزیده خداوند اند؛ فقط آنان با مقام الهی روابط زوال ناپذیر بر قرار کرده اند؛ بهشت الهی مخصوص آن ها است و پیروان هیچ آیین دیگری لیاقت بهره مندی از آن را ندارند؛ فقط یهود و نصاری هستند که به هر عنوان، برتر و بالاتر از همه و شایسته هر نوع تکریم و احترام اند و همه باید در برابر این دو ملت برگزیده، سر تعظیم و احترام فرود آورند. (15)

چنانچه الله متعال فرموده است: « وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ » (مائده: آیت، 18)

یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم، بگو: پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده است. هر کس را بخواهد و شایسته بداند می بخشد و هر کس را بخواهد و مستحق بداند مجازات می کند و حکومت آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن هاست از آن او و بازگشت همه موجودات به سوی اوست.

و در آیه دیگر فرموده است: « وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ 111 بَلَى مَن أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ » (بقره، آیات 111 - 112)

آن ها گفتند: هیچ کس، جز یهود و نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد؛ این آرزوی آن هاست. بگو: اگر راست می گوئید دلیل خود را بیاورید؛ آری کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند؛»

بنابراین، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست، بدین ترتیب، قرآن کریم با افکار غرور آمیز و تعصبات غلط، خطرناک و جنگ آفرین این دو ملت مبارزه می کند، و با استدلال، پوچ و بی منطقی بودن آن را آشکار می سازد، بدیهی است چنانچه این افکار غلط و خطرناک، بر ملت و جامعه ای حکم فرما باشد، صلح جهانی و هم زیستی مسالمت آمیز با دیگران نخواهند داشت.

از بین بردن تعصبات غلط، و برتری جویی و نژاد پرستی، زمینه ساز هم زیستی مسالمت آمیز ادیان و ملل و مذاهب گوناگون می باشد. از نظر قرآن کریم، هیچ ملتی برگزیده و نیز هیچ یک با خدا عقد اخوت نبسته است. برتری و عظمت، مخصوص افرادی است که تنها در برابر حقیقت خضوع می کنند. (16)

برای پیمودن صلح کشوری و فراکشوری و هم زیستی مسالمت آمیز هموار ساخته است. در این مورد کافی است که بدانیم صلح، روح اسلام است. همان طور که گفته شد، واژه ای اسلام از ماده «سلم» گرفته شده است و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است؛ لذا قرآن دستور داده است که همگی در حوزه «سلم و صلح» وارد شوند چنانچه فرموده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً » (بقره: آیت، 208)

ای افراد با ایمان، همگی در اسلام کامل وارد شوید (درحوزه مسالمت آمیز) ...»

سلم خیلی عالی تر و با دوام تر از «صلح» است؛ زیرا به معنای سلامت و امنیت است و صورت یک صلح مؤقت ظاهری را ندارد. خداوند به پیامبر صل الله علیه وسلم دستور داده است که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن میل کردند، تو نیز از فرصت استفاده کن و با آنان موافقت نما چنانچه فرموده است: « وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (انفال: آیت، 61)

و اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و به الله توکل کن، زیرا الله شنوا و دانا است.

علاقه اسلام به صلح میان انسان ها، به حدی است که به افراد با ایمان نوید می دهد که شاید بر اثر نحوه رفتار مسالمت آمیز مسلمانان، میان آن ها و دشمنان پیوند دوستی پدید آید چنانچه فرموده است: « عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (ممتحنه: آیت، 7)

چه امید است که خداوند در میان شما و کسانی از آنان که با هم دشمنی داشتید، مهربانی پدید آورد و خداوند بر هر کار قادر (به خلق) آمرزنده و مهربان است.

افراد غیر مسلمان به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند، شمشیر به روی آن ها کشیدند، آن ها را از خانه و کاشانه شان به اجبار بیرون کردند و خلاصه عداوت و دشمنی را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل، آشکارا نشان دادند. تکلیف مسلمانان با این گروه این است که از هر گونه مراوده و پیوند محبت و دوستی با این گروه خودداری نمایند. مصداق روشن آن، مشرکان مکه، مخصوصاً سران قریش بودند؛ گروهی رسماً دست به این کار زدند و گروهی دیگر نیز آن ها را یاری کردند.

اما گروه دوم، در عین کفر و شرک، کاری به مسلمانان نداشتند. نه عداوت می ورزیدند، نه با آن ها پیکار می کردند و نه اقدام به بیرون راندن شان از شهر و دیارشان می نمودند؛ حتی گروهی از آن ها پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان بسته بودند. باید به این گروه وفا کنند و در اجرای عدالت بکوشند. مصداق این گروه طایفه خزاعه بودند که با مسلمین پیمان ترک مخاصمه داشتند (14).

خلاصه این که، طرفداری از صلح و هم زیستی مسالمت آمیز در سیاست خارجی، از خردمندانه ترین و مترقی ترین برنامه ها است و اسلام نیز این برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را برای دفاع در مواقع اضطراری خواسته است، اسلام برای صلح و زندگی مسالمت آمیز چنان اهمیت قابل است که حتی در اجتماعات کوچک و در اختلاف خانوادگی نیز دستور به صلح و سازش می دهد.

نتیجه گیری

جهان پس از تجربه‌ی جنگ‌های فراوان، گام‌های موثری در تأمین همزیستی مسالمت آمیز، صلح و امنیت اجتماعی برداشته و به آزادی‌های فکری انسان‌ها تاکید کرده است؛ اما قرن‌ها پیش از آن، ادیان الهی، به ویژه دین مقدس اسلام، بر این اصول تاکید کرده و نسبت به حقوق اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز همه‌ی انسان‌ها، بدون نظر داشت عقیده، نژاد، رنگ، جنس، زبان و موقعیت اجتماعی، سفارش کرده است از منظر قرآن کریم، تنها استثنای بر اصل، اصیل همزیستی و تسالم، محاربان و متجاوزان به حقوق انسان‌ها اند که راهی را جز مقابله باقی نگذارند در غیر آن رعایت اصول همزیستی مسالمت آمیز از مکلفیت‌های انسان مومن و دین‌دار محسوب می‌گردد، زیرا دوری گزیدن از دستورهای ادیان الهی، نتایج دردناکی را باعث گردیده که بخشی از آن حاصل استفاده ابزاری قدرت‌مندان از دین و جهل توده‌ها نسبت به آورده‌ها و هدایات دینی است. شایسته است انسان‌ها در تصمیم‌های خود به بازگشت از تخاصم به تسالم، و از ستم به عدالت، آموزه‌های اصیل قرآنی را راهنمای خویش قرار دهند حقوق و نیازهای مادی و معنوی خویش را بر اساس گوهر مشترک انسانی یعنی فطرت، تبیین کنند و با تلاش برای شناخت حیثیت ذاتی و حقوق انسان‌ها کنار مسئولیت‌های خود به طور مداوم در نظر بگیرند؛ و همچنان راه‌های تأمین همزیستی مسالمت آمیز را رعایت نمایند؛ نه آن‌که اشتباه گذشته یعنی بی‌توجهی به خدا و معنویت را در مسیری دیگر همچنان ببینند و برای مسدود سازی راه استفاده جویی متجاوزان از دین، اساس آن را نادیده بگیرند. تنها راه تأمین هم زیستی مسالمت آمیز رعایت هدایات قرآنی در این موضوع است و همچنان شناسایی نیازهای مادی و معنوی انسان بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم پنداشته می‌شود، و به دنبال آن، تبیین حقوق و تکالیف انسان در جامعه است. پیگیری حقوق بشر، بدون توجه به نیازهای معنوی و اصول باهمی انسان، راهی نا تمام پنداشته شده و در تأمین همزیستی مسالمت آمیز حقوق انسان‌ها شناسایی و نیازهای مادی و معنوی او رعایت، و به دنبال آن تبیین حقوق و تکالیف او در تأمین صلح و تسالم در جهان در نظر گرفته شود. راه دستیابی به این هدف، توجه به آزادی عقیده و رعایت آن، پذیرش اصول مشترک تمام انبیاء علیهم السلام جهت تحقق بخشیدن همزیستی مسالمت آمیز اهمیت می‌دهد، بنا بر این می‌توان گفت: یگانه راه و روش عملی که بتواند همزیستی مسالمت آمیز را در جامعه تحقق و تثبیت نماید مراجعه به دستورات و هدایات قرآنی می‌باشد تا با رعایت نمودن طرق تأمین همزیستی مسالمت آمیز انسان‌ها به خوشبختی اجتماعی نایل گردند.

فهرست منابع**قرآن کریم**

1. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه‌ی دهخدا، ج 14، ص 20817، تهران، انتشارات امیرکبیر، (1385 ه.ش).
2. ابراهیم مصطفی‌احمد الزیات حامد عبد القادر محمد النجار المعجم الوسیط، ج 2، ص 639، بیروت، لبنان، دار الدعوة، (1398 ه.ق).

3. محمد مهدی کریمی نیا، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، ص 28، تهران، انتشارات سمت، (1386 ه.ش).
4. سید جلال الدین مدنی، حقوق بین المللی عمومی و اصول روابط بین‌دول، ج 2، ص 192، تهران، نشرنی، (1389 ه.ش).
5. محمد مهدی کریمی نیا، پیشین، ص 41-42.
6. احمد متین، دفتری، روابط بین‌الملل از قدیم الایام تا سازمان ملل، ص 169، تهران، انتشارات گنج‌دانش، (1390 ه.ش).
7. أبو عبد الله محمد بن أحمد بن ابي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى 671 هـ) الجامع لأحكام القرآن، ج 3، ص 279، پشاور، مکتبه حقانیه، بی‌تا.
8. عبد الرحمن بن ناصر بن السعدي، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنائل، ص 123، بيروت، لبنان، دار الكتب العلميه، (1398 ه.ق).
9. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 2، ص 450، تهران، چ: 22، در المکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
10. یاسر ابو شبانه، النظام الدولي الجديد بين الواقع الحالي و التصور الاسلامي، ص 542-543، قاهره، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
11. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 4، ص 54.
12. جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلام، ترجمه و نگارش داود الهامی، ص 526-530، تهران، انتشارات سمت، (1390 ه.ش).
13. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 4، ص 386.
14. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 22، ص 31-32.
15. محمد مجتهد، شبستری، همزیستی مذهبی، مکتب اسلام، ص، تهران، انتشارات گنج‌دانش، (1390 ه.ش).
16. عباس عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 3، ص 441-461، تهران، انتشارات قفوس، (1390 ه.ش).